

تحلیل محتوای ۱۰ مصاحبه با جامعه‌شناسان در مورد ناآرامی‌های اخیر

التهاب پاییزی؛ ریشه‌ها و مرهم‌ها

محمد رستگار
مدیر دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری ایرنا

کمتز معترضی گمان می‌برد اعتراض به فوت مهسا امینی و طرح شعارها و مطالباتی متفاوت با ناآرامی‌های همه تاریخ پس از انقلاب به خشونت و ترور کور و ناامنی اجتماعی بینجامد. اعتراض، آشوب و ترور، وصف کلی ایران زخمی از تحریم و سربلند از مقاومت در دو ماه گذشته است، اما اعتراض‌ها و اغتشاشات چه بود و چگونه بود و چه شد؟ در همین دو ماه اخیر، صد‌ها مصاحبه با جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، اهالی رسانه، سیاسیون و صاحبان فکر و تحلیل صورت گرفته تا ریشه‌ها و زمینه‌ها شناسایی شود. بررسی و ارزیابی این مصاحبه‌ها و بویژه کوشش برای تبدیل آنها به سندهای سیاسی و گزاره‌های راهبردی می‌تواند در سها و نکات مفید و مؤثری به منظور صیقل بخشی به شیوه‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی به دست دهد. در این مکتوب، گزاره‌های مشترک ۱۰ مصاحبه جامعه‌شناسان با خبرگزاری ایرنا در ۵ سطح ارائه می‌شود تا گونه‌ای از فراوری محتوا که امروزه مورد نیاز دستگاه‌ها و سازمان‌های صاحب نقش در مدیریت افکار عمومی و تعامل مستقیم با جامعه است، تحقق یابد. مصاحبه‌شوندگان که دیدگاه‌های آنان در تبیین اعتراضات به صورت مستقل منتشر شده عبارتند از عماد افروغ، عباس عبدی، سید محمود نجاتی حسینی، محمد فاضلی، نعمت‌الله فاضلی، حامد حاجی حیدری، مهدی جمشیدی، مهدی رفیعی بهابادی، محمدرضا اخضریان کاشانی و مجید بهستانی.



مجید بهستانی

چنین وضعیتی به لحاظ ساختاری است. اما مهدی جمشیدی معتقد است تخریب، ساختار شکنی و هرج‌ومرج از ابتدا در برنامه‌ریزی معترضان بوده است و اساسا این پرسش وجهی ندارد.

۵ راهکارهای حل موضوع

عماد افروغ به صراحت تجدیدنظر در برخی روش‌ها را پیشنهاد می‌دهد و بر حل عملی برخی مشکلات مانند بیماری و اشتغال و شکاف طبقاتی به‌عنوان یک پاسخ به مسأله کارآمدی تأکید می‌کند. مهدی جمشیدی اصلاح طرح‌های اجتماعی به شکل تدریجی را در صورت عدم تعارض با شرع، ممکن می‌داند و روشنگری نهادهای مسئولی همچون نیروی انتظامی را در چنین رویدادهایی که با ثبات جامعه سرو کار دارد، خواستار می‌شود. در دیدگاه او، ما گرفتار «فقر روایت» هستیم و «زبان توضیح» مان دچار لکنت و اختصار است. از نیروی انتظامی انتظار می‌رود و همچنان نیز می‌رود که هر چه بیشتر بگوید و توضیح بدهد و روشنگری کند و تصور نکند که کار میدانی، کافی است. علاوه بر این، او تصریح می‌کند برخی از «تخلف یک شخص» یا «سازگارهای اجرایی معیوب»، نتایج کلی و عام می‌گیرند و قانون یا طرح را نفی می‌کنند. این قبیل گفته‌ها، غیرمنطقی و ناهشی از جوژدگی است. عباس عبدی ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن دیگران، تجدیدنظر بر اساس اصول

۱ علل وزمینه‌ها

عماد افروغ اگرچه معتقد است گشت ارشاد هیچ توجیه قانونی ندارد و اگر کسی با منطق جامعه‌شناسی و خشم‌های شهری آشنا باشد، می‌داند در تمام دنیا وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، جامعه دچار فوران خشم اجتماعی می‌شود، انواع مشکلات از تورم و بیکاری تا عدم توزیع عادلانه و برابر مواهب سیاسی اقتصادی و فرهنگی را دلیل خشم انفجاری معترضین می‌داند. او معتقد است معترض دنبال فرصتی بوده تا اعتراض کند و با فوت مهسا امینی را سرریز ناراضیاتی‌های متعددی از جمله فقدان رسانه مستقل، نبود رسیدگی مستقل قضایی، غیبت سازکارهای مشارکت‌دهی جوانان همچون نهادهای حزبی و محدود شدن حکومتداری به تعدادی معدود توصیف می‌کند. حامد حاجی حیدری تصریح می‌کند زودتر از اینها باید منتظر وقوع چنین اعتراضاتی می‌بودیم و ناآرامی اقتصادی دولت پیش که پیامدهای دیرپایی دارد و به دولت کنونی نیز تسری یافته، ناراضیاتی‌ها را توسعه داده است. نعمت‌الله فاضلی ماجرای اعتراضات را از زاویه نگاه به آینده تفسیر می‌کند و ریشه آن را در هراس عمومی از آینده زندگی و جامعه می‌بیند.

۳ دهه هشتادی‌ها

قالبه معترضان در نظر عماد افروغ، جوان و نوجوان هستند؛ همان‌هایی که مهدی جمشیدی و محمد فاضلی برای توصیف آنان از تعبیر «دهه هشتادی‌ها» استفاده می‌کنند و در توصیف مجید بهستانی و مهدی رفیعی بهابادی، افراد زیر ۲۱ سال بویژه دختران می‌آید. محمدرضا اخضریان کاشانی، معترضان را «اتین ایچرا»هایی از همه طبقات اجتماعی و به تعبیر خاص خودش «نسل چهارمی» می‌نامد. البته مهدی جمشیدی تأکید دارد شانه به شانه دهه هشتادی‌ها، مزدورهای اجبرشده‌ای حضور دارند تا اعتراض را به سمت و سوی تخریب و هنجارشکنی بکشانند. خشم در تبیین مهدی رفیعی بهابادی، دال مرکزی است و در نتیجه هر کس خشمگین محسوب می‌شود و حاضر است هزینه اعتراض را بپذیرد، به خیابان آمده و معترض است. به لحاظ طبقاتی، نیز او این اعتراض‌ها را فقط طبقه متوسط نمی‌داند. همان‌گونه که در آبان ۹۸ هم طبقه پایین و متوسط همزمان حضور داشتند، در این اعتراض‌ها هم همین‌گونه است، چون نه اعتراض آبان ۹۸ فقط اقتصادی بود و نه اعتراض کنونی، فقط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. همچون نعمت‌الله فاضلی که هر آنکس را که به شکلی ناراضی است، در اعتراض سهیم و حاضر می‌بیند. از ناراضیان فرهنگی مانند هنرمندان و روزنکاران گرفته تا ناراضیان قومی و نسلی و جنسیتی به‌طور اخص زنان. عباس عبدی معترضان را فراتر از دهه هشتادی‌ها می‌خواند و نیروها و گروه‌های سیاسی را نیز در اعتراض جایابی می‌کند، اما حامد حاجی حیدری این نیروها و گروه‌ها را تنها در میان انکتکوتل‌هایی یابد.

۴ چرا اعتراض به آشوب انجامید

عماد افروغ تأکید دارد عدم واکنش به‌موقع نظام و عدم عذرخواهی، نخستین دلیل تبدیل اعتراض به آشوب است؛ چیزی که به دلیل نبود رهبری و سازمان سیاسی در میان آشوبگران، به جنگ فرقه‌ای کشیده شده است. او همچنین تأکید دارد اعتراض مدنی را در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش نداده‌ایم و در جهت اصلاح روش‌های تنگ‌نظرانه کوشش نکرده‌ایم. این چشم‌انداز تاریک در نظر محمود نجاتی حسینی، سیاست‌خیزانی را روی صحنه می‌آورد و به رادیکالیسم (افراطی‌گری) و میلیتاریسم (نظامی‌گرایی) از سوی هر دو طرف منازعه منجر می‌شود. عباس عبدی نبود سازکار قانونی برای اعتراض مسالمت‌آمیز و فقدان رسانه آزاد و فضای باز سیاسی را برای طرح مطالبات جامعه پررنگ می‌کند؛ چیزی که در نظر مهدی رفیعی بهابادی چندان کارساز نیست.

محمدرضا اخضریان کاشانی در میانه دیدگاه عبدی و رفیعی بهابادی، هم نادیده گرفتن مطالبات دختران و زنان جامعه را در تبدیل اعتراضات به آشوب مؤثر می‌خواند و هم انسداد طرح مطالبات از مسیرهای قانونی را. از نظر او با یک جنبش روبه‌رویم که مابه‌ازای بیرونی آن اعتراض خیابانی است. محمد فاضلی بی‌سامانی سیاسی در جامعه ایران را در تبدیل اعتراض به آشوب وزن می‌دهد. یکی از مشخصه‌های بی‌سامانی سیاسی، بی‌سازمانی است. در نگاه او، این جامعه سازماندهی درستی ندارد و برای مثال احزاب، اتحادیه‌ها و سایر تشکلهای نمایندگان‌کننده گروه‌های اجتماعی در آن حضور پررنگی ندارند. چنین جامعه‌ای برای بیان خواسته‌هایش و ارائه مطالباتش ابزار مناسبی ندارد. خشونت، خروجی

۲ مطالبات معترضان

عماد افروغ تصریح می‌کند علاوه بر موضوع حجاب، معترضان خواستار مقابله با فقر و نابرابری و انواع تبعیض‌اند؛ چیزی که به‌زعم عباس عبدی، علاوه بر مسأله حجاب، به سررسید نقد مطالبات در محیط‌های اجتماعی همچون دانشگاه‌ها و ادارات و همچنین دادسرای قضایی و انتخابات سیاسی مربوط می‌شود. از نظر نجاتی حسینی، برای نسل‌ها و گروه‌های جدید نوعی «دیدگاه شدن اجتماعی» و «به رسمیت شناخته شدن سیاسی» و «به حساب آمدن حقوقی» از سوی سیستم و جامعه اهمیت دارد، ضمن آنکه مطالبه معترضان در شعار جهانی «زن، زندگی، آزادی» و «جهی ایرانی پیدا کرده، نعمت‌الله فاضلی نیز مطالبه حضور آزاد و فعال زنان در جامعه را برجسته می‌کند. دامنه این مطالبات از دید مهدی رفیعی بهابادی غیر از



عماد افروغ

چنین وضعیتی به لحاظ ساختاری است. اما مهدی جمشیدی معتقد است تخریب، ساختار شکنی و هرج‌ومرج از ابتدا در برنامه‌ریزی معترضان بوده است و اساسا این پرسش وجهی ندارد.

۵ راهکارهای حل موضوع

عماد افروغ به صراحت تجدیدنظر در برخی روش‌ها را پیشنهاد می‌دهد و بر حل عملی برخی مشکلات مانند بیماری و اشتغال و شکاف طبقاتی به‌عنوان یک پاسخ به مسأله کارآمدی تأکید می‌کند. مهدی جمشیدی اصلاح طرح‌های اجتماعی به شکل تدریجی را در صورت عدم تعارض با شرع، ممکن می‌داند و روشنگری نهادهای مسئولی همچون نیروی انتظامی را در چنین رویدادهایی که با ثبات جامعه سرو کار دارد، خواستار می‌شود. در دیدگاه او، ما گرفتار «فقر روایت» هستیم و «زبان توضیح» مان دچار لکنت و اختصار است. از نیروی انتظامی انتظار می‌رود و همچنان نیز می‌رود که هر چه بیشتر بگوید و توضیح بدهد و روشنگری کند و تصور نکند که کار میدانی، کافی است. علاوه بر این، او تصریح می‌کند برخی از «تخلف یک شخص» یا «سازگارهای اجرایی معیوب»، نتایج کلی و عام می‌گیرند و قانون یا طرح را نفی می‌کنند. این قبیل گفته‌ها، غیرمنطقی و ناهشی از جوژدگی است. عباس عبدی ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن دیگران، تجدیدنظر بر اساس اصول



محمد فاضلی

چنین وضعیتی به لحاظ ساختاری است. اما مهدی جمشیدی معتقد است تخریب، ساختار شکنی و هرج‌ومرج از ابتدا در برنامه‌ریزی معترضان بوده است و اساسا این پرسش وجهی ندارد.

۵ راهکارهای حل موضوع

عماد افروغ به صراحت تجدیدنظر در برخی روش‌ها را پیشنهاد می‌دهد و بر حل عملی برخی مشکلات مانند بیماری و اشتغال و شکاف طبقاتی به‌عنوان یک پاسخ به مسأله کارآمدی تأکید می‌کند. مهدی جمشیدی اصلاح طرح‌های اجتماعی به شکل تدریجی را در صورت عدم تعارض با شرع، ممکن می‌داند و روشنگری نهادهای مسئولی همچون نیروی انتظامی را در چنین رویدادهایی که با ثبات جامعه سرو کار دارد، خواستار می‌شود. در دیدگاه او، ما گرفتار «فقر روایت» هستیم و «زبان توضیح» مان دچار لکنت و اختصار است. از نیروی انتظامی انتظار می‌رود و همچنان نیز می‌رود که هر چه بیشتر بگوید و توضیح بدهد و روشنگری کند و تصور نکند که کار میدانی، کافی است. علاوه بر این، او تصریح می‌کند برخی از «تخلف یک شخص» یا «سازگارهای اجرایی معیوب»، نتایج کلی و عام می‌گیرند و قانون یا طرح را نفی می‌کنند. این قبیل گفته‌ها، غیرمنطقی و ناهشی از جوژدگی است. عباس عبدی ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن دیگران، تجدیدنظر بر اساس اصول

۵ راهکارهای حل موضوع

عماد افروغ به صراحت تجدیدنظر در برخی روش‌ها را پیشنهاد می‌دهد و بر حل عملی برخی مشکلات مانند بیماری و اشتغال و شکاف طبقاتی به‌عنوان یک پاسخ به مسأله کارآمدی تأکید می‌کند. مهدی جمشیدی اصلاح طرح‌های اجتماعی به شکل تدریجی را در صورت عدم تعارض با شرع، ممکن می‌داند و روشنگری نهادهای مسئولی همچون نیروی انتظامی را در چنین رویدادهایی که با ثبات جامعه سرو کار دارد، خواستار می‌شود. در دیدگاه او، ما گرفتار «فقر روایت» هستیم و «زبان توضیح» مان دچار لکنت و اختصار است. از نیروی انتظامی انتظار می‌رود و همچنان نیز می‌رود که هر چه بیشتر بگوید و توضیح بدهد و روشنگری کند و تصور نکند که کار میدانی، کافی است. علاوه بر این، او تصریح می‌کند برخی از «تخلف یک شخص» یا «سازگارهای اجرایی معیوب»، نتایج کلی و عام می‌گیرند و قانون یا طرح را نفی می‌کنند. این قبیل گفته‌ها، غیرمنطقی و ناهشی از جوژدگی است. عباس عبدی ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن دیگران، تجدیدنظر بر اساس اصول



سید محمود نجاتی حسینی

چنین وضعیتی به لحاظ ساختاری است. اما مهدی جمشیدی معتقد است تخریب، ساختار شکنی و هرج‌ومرج از ابتدا در برنامه‌ریزی معترضان بوده است و اساسا این پرسش وجهی ندارد.

۵ راهکارهای حل موضوع

عماد افروغ به صراحت تجدیدنظر در برخی روش‌ها را پیشنهاد می‌دهد و بر حل عملی برخی مشکلات مانند بیماری و اشتغال و شکاف طبقاتی به‌عنوان یک پاسخ به مسأله کارآمدی تأکید می‌کند. مهدی جمشیدی اصلاح طرح‌های اجتماعی به شکل تدریجی را در صورت عدم تعارض با شرع، ممکن می‌داند و روشنگری نهادهای مسئولی همچون نیروی انتظامی را در چنین رویدادهایی که با ثبات جامعه سرو کار دارد، خواستار می‌شود. در دیدگاه او، ما گرفتار «فقر روایت» هستیم و «زبان توضیح» مان دچار لکنت و اختصار است. از نیروی انتظامی انتظار می‌رود و همچنان نیز می‌رود که هر چه بیشتر بگوید و توضیح بدهد و روشنگری کند و تصور نکند که کار میدانی، کافی است. علاوه بر این، او تصریح می‌کند برخی از «تخلف یک شخص» یا «سازگارهای اجرایی معیوب»، نتایج کلی و عام می‌گیرند و قانون یا طرح را نفی می‌کنند. این قبیل گفته‌ها، غیرمنطقی و ناهشی از جوژدگی است. عباس عبدی ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن دیگران، تجدیدنظر بر اساس اصول

۵ راهکارهای حل موضوع

عماد افروغ به صراحت تجدیدنظر در برخی روش‌ها را پیشنهاد می‌دهد و بر حل عملی برخی مشکلات مانند بیماری و اشتغال و شکاف طبقاتی به‌عنوان یک پاسخ به مسأله کارآمدی تأکید می‌کند. مهدی جمشیدی اصلاح طرح‌های اجتماعی به شکل تدریجی را در صورت عدم تعارض با شرع، ممکن می‌داند و روشنگری نهادهای مسئولی همچون نیروی انتظامی را در چنین رویدادهایی که با ثبات جامعه سرو کار دارد، خواستار می‌شود. در دیدگاه او، ما گرفتار «فقر روایت» هستیم و «زبان توضیح» مان دچار لکنت و اختصار است. از نیروی انتظامی انتظار می‌رود و همچنان نیز می‌رود که هر چه بیشتر بگوید و توضیح بدهد و روشنگری کند و تصور نکند که کار میدانی، کافی است. علاوه بر این، او تصریح می‌کند برخی از «تخلف یک شخص» یا «سازگارهای اجرایی معیوب»، نتایج کلی و عام می‌گیرند و قانون یا طرح را نفی می‌کنند. این قبیل گفته‌ها، غیرمنطقی و ناهشی از جوژدگی است. عباس عبدی ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن دیگران، تجدیدنظر بر اساس اصول

نام جامعه‌شناس	توصیف رخداد	دال مرکزی تبیین	راهکار کوتاه‌مدت	راهکار بلندمدت
عماد افروغ	فوران خشم اجتماعی	نافرمانی مدنی	برخورد فرهنگی به جای برخورد فوری	حل عملی مشکلات اشتغال، بیکاری، شکاف طبقاتی تا آشفتنگی و سرگردمی جوانان
عباس عبدی	سرریز ناراضیاتی‌های متعدد	عمیقان علیه سیستم	تجدیدنظر بر اساس اصول عقلانی و منطقی	تغییر رویکردهای موجود در تطبیق قوانین با شرع و قانون اساسی
مهدی جمشیدی	یک کمین سیاسی امنیتی خارجی	شورش دهه هشتادی‌ها به رهبری مزدورها	روشنگری در معرکه جنگ روایت‌ها	اصلاح تدریجی طرح‌های اجتماعی
محمد فاضلی	ناراضیاتی از کیفیت حکمرانی	حکمرانی بد	استفاده از ظرفیت اصل ۲۷ قانون اساسی	فعال‌سازی قواعد تغییر قواعد
سید محمود نجاتی حسینی	انباشت انفجاری اعتراضات نسلی	عامل ماشه در میدان عمل منطق اجتماعی	قانونی کردن فرهنگ اعتراضات مدنی مسالمت‌آمیز	جدی گرفتن همه مطالبات معترضین حتی مطالبات فمینیستی
محمدرضا اخضریان کاشانی	یک جنبش با نمای اعتراض خیابانی	حداقل بین طرح یک مطالبه قانونی با تلاش انقلابی	آرامش‌بخشی به اجتماع با استقبال از مطالبات معترضان	اصلاح فرایند حکمرانی
نعمت‌الله فاضلی	هراس عمومی از آینده	بحران حکومت در تصویرسازی از آینده	توجه فوری به ناراضیان نسلی	ساخت تصویر مبتنی بر اصل بی‌طرفی میان شهروندان
حامد حاجی حیدری	اعتراض اجتماعی	برساخت رسانه‌ای و سیاسی از یک اعتراض غیرمردمی	مقابله با زمینه‌های اعتراض از جمله نفوذ	ایجاد مردم‌سالاری دینی سایبرفضایی
مهدی رفیعی بهابادی	تبدیل عصبانیت به خشم	نقش خشم در کنش پتانسیلی اعتراض	ارزیابی اثربخشی قوانین و تجدیدنظر در موارد ناکارآمد	شناسایی و درمان علل مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خشم مردم
مجید بهستانی	طفیان علیه معرومیت نسبی فرهنگ	جنبش اجتماعی فرهنگی هویتی	تغییر شیوه اعمال قدرت	همسان‌سازی استراتژی‌ها و تکنیک‌ها

محمود نجاتی حسینی معتقد است باید سیاست گفت‌وگویی را به جای سیاست خیابانی ترسیم و ترویج کرد. بنای سیاست گفت‌وگویی لزوماً حضور در خیابان نیست، بلکه به ضرورت گفت‌وگو میان مردمان با حکومت برای رفع منازعه و رسیدن به مصالحه و تفاهم و توافق تأکید دارد. در دیدگاه او، آنچه شایسته ایران اسلامی به‌عنوان یک جامعه پویا و پایا است، سیاست و رویه «قانونی کردن فرهنگ اعتراضات مدنی مسالمت‌آمیز شهروندی وفق قانون اساسی» است؛ بنابراین چون این سیاست منطبق بر قانون اساسی است و این قانون مبتنی بین مردم و حکومت است و یک قرارداد اجتماعی معتبر و موق و لازم‌الاجرا از سوی طرفین یعنی مردم و حکومت، عمل به آن نه تنها هیچ خدش‌های به سیستم و جامعه وارد نمی‌آورد بلکه به بازتولید پویایی ایران اسلامی نیز می‌انجامد.

از نظر مهدی رفیعی بهابادی، مسئولان باید اثربخشی قوانین قبلی وضع شده در مواردی مانند گشت ارشاد را بررسی کنند و تجدیدنظر در سیاست‌ها را عقب‌نشینی ندانند. او معتقد است این کار می‌تواند به یافتن راهی برای تأثیرگذاری واقعی مردم بر رفتار حکومت و نه فقط نمایش از طریق رویه‌های مشروع یاری رساند. اما در نظر محمدرضا اخضریان کاشانی، مسئولان هنوز تصویر درستی از ناآرامی‌ها ندارند و باید در فرایند حکمرانی، مطالبات را درست مورد شناسایی و تحلیل قرار دهند و کام‌نخست آن است که در جهت اصلاح فهم مسئولان از اینکه این اعتراضات یک شورش صرفاً تحریک شده توسط دشمنان خارجی نیست، کوشید. او معتقد است اگر در قالب جنبش با موضوع برخورد شود و نه شورش، آنگاه منوجه ضرورت اصلاح فرایند حکمرانی می‌شود. موضوعی که در تبیین محمد فاضلی، به‌عنوان دال مرکزی خودنمایی می‌کند. او تأکید می‌کند در دوام نخست این است که اولاً حکومت بحران را بپذیرد و ثانیاً جامعه به قواعد «تغییر قواعد» مجهز شود. این موضوع اتفاقاً در نظر مجید بهستانی نیز ضروری است. همچنان که او تصریح می‌کند شیوه اعمال قدرت باید تغییر کند، چرا که یک سیستم عاقل در کنار تسلط روی اهداف ثانویه و تمرکز روی استراتژی‌ها و تکنیک‌ها و برنامه‌ها باید به فکر همسان‌سازی و تطابق باشد.